

مؤلفه‌های خداولایی؛ بر اساس تحلیل مضمون صحیفه سجّادیه

بی‌بی حکیمه حسینی حکمت^{۱*}، سیده زهرا حسینی رزمگاه^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22084/DUA.2023.28366.1026](https://doi.org/10.22084/DUA.2023.28366.1026)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳



چکیده

اساس و بنیان هستی، حقیقت توحید است که ولایت وجه افعالی آن و امری دوجانبه است؛ به این صورت که از سمت خدا با انتشار و فیضان مولویت و از سوی انسان با گردن نهادن به سرپرستی ولی حقیقی جلوه‌گر می‌شود. این پژوهش ناظر به بعد دوم آن یعنی، ولایت‌پذیری نسبت به مولی است؛ چراکه، رابطه خدا و خلق در «ولایت» تحقق می‌یابد و موقعیت انسان نسبت به خدا با تبیین سلوک او در معجرات ولایت مشخص می‌شود. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون به استخراج مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر ولایت‌پذیری در صحیفه سجّادیه پرداخته و شبکه مضامین آن به منظور رهیافت به شاکله و ابعاد بحث، حول سه محور عوامل، مصادیق و آثار ولایت‌پذیری تنظیم شد. بر اساس تحلیل مضامین به دست آمده، عوامل ولایت‌پذیری، باورمندی، عمل کرد خالصانه و فضل و توفیق الهی است. از مهم‌ترین مصادیق و مظاهر ولایت‌پذیری آن است که بنده با واگذاری اختیار به ولی و ترجیح جانب او، اطاعت را به سرحد کمال رسانده و با انقطاع و اکتفا به پروردگار، دشواری‌های مسیر را می‌پذیرد. لذا، آثاری چون برخورداری از نعمت‌ها، هدایت خاص الهی و دستیابی به کمالات نفسانی شامل حال ولایت‌پذیر الهی می‌شود.

کلید واژه‌ها: مؤلفه‌های خداولایی، ولایت‌پذیری، تحلیل مضمون، صحیفه سجّادیه

۱- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. دانشکده مشهد (*نویسنده مسئول)، dolatabad@quran.ac.ir
۲- کارشناس ارشد علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. دانشکده مشهد، s.zahra.hoseini.2970@gmail.com

مقدمه

ولایت اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین رکن اسلام است. خداوند با اعمال ولایت که همان توحید افعالی اوست، سبب گسترش دین در متن زندگی بشر می‌شود. تنها وجود حقیقی و قائم، خداوند متعال است و مخلوقات همه وابسته به او هستند و درک این حقیقت انسان را تحت ولایت و حکومت و سیطره قادر متعال قرار می‌دهد. رابطه خدا و خلق در معنا و مفهوم ولایت تحقق می‌یابد. لذا مفاهیمی همچون اطاعت و طغیان، حب و بغض، میزان قرب به خداوند، تبعیت و نصرت از جمله مواردی است که در حقیقت معنای ولایت است. اشارت‌های صحیفه سجادیه در نقش تفسیر قرآن قابل توجه است. امام سجاد (ع) در خلوت عارفانه با ولی حقیقی به تبیین حکیمانه این مضامین پرداخته‌اند.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که صحیفه سجادیه در این موضوع دارای چه مضامینی هستند و چه راهکارهایی در بحث عوامل ورود، فهم مصادیق و تبیین آثار ولایت‌پذیری ارائه کرده‌اند. لذا برای پاسخ به این سوال ابتدا داده‌های حاوی مفهوم خداولایی از متن صحیفه سجادیه استخراج و با استفاده از روش تحلیل مضمون، مضامین اصلی و فرعی شناسایی و حول سه محور عوامل، مصادیق و آثار دسته‌بندی شدند.

اگرچه، پژوهش‌های متعددی در بحث ولایت‌پذیری انجام شده است، لکن در بررسی پیشینه، پژوهشی با گستره تحقیق پیش‌رو از جهت جستجوی مسئله خداولایی، براساس لفظ ولی و سایر مؤلفه‌های معنایی آن، شامل اطاعت، حب، قرب، تبعیت و نصرت در متن صحیفه سجادیه و نیز به‌کارگیری روش کیفی تحلیل مضمون و تهیه شبکه مضامین و ارائه سه محور عوامل، مصادیق و آثار بحث صورت نگرفته است.

روش تحلیل مضمون

تحلیل مضمون اولین روش و از مهارت‌ها و ابزارهای عام و مشترک در تحلیل‌های کیفی است. (Boyatzis, 1998, p:4) فرایند کدگذاری در تحلیل مضمون فرآیندی پیش‌نیاز است. (Braun, V. & Clarke, 2006 Pp.77-101) «براون» و «کلارک» تحلیل مضمون را روشی خاص و ویژه که از مزایای آن انعطاف‌پذیری است، معرفی می‌کنند. (Braun, V. & Clarke, 2006 Pp.77-101). تحلیل مضمون راهبردی برای تقلیل و تحلیل داده‌هاست در این روش داده‌های کیفی و متنی تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی تلخیص و بازسازی می‌شوند (Given, 2008, p.80) و روشی است برای شناخت، تحلیل و گزارش

الگوهای موجود در داده‌های کیفی. تمرکز روش تحلیل مضمون بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوی معانی داده‌های کیفی است. عنصر کلیدی در این روش مضمون یا them است و پرارزش‌ترین واحدهای تحلیل محتوا هستند و منظور از آن معنای خاص استفاده شده از یک کلمه، جمله یا پاراگراف است. گاهی یک جمله ممکن است، دارای چند مضمون باشد و یا چند پاراگراف تنها یک مضمون داشته باشد. مضمون، ویژگی تکراری و متمایزکننده‌ای در متن است و حاوی اطلاعات مهمی درباره موضوع و سؤالات تحقیق ارائه می‌دهد. شناخت مضمون مهم‌ترین و حساس‌ترین بخش تحقیق کیفی و قلب تحلیل مضمون است (عابدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۹) در مورد مقدار داده‌های مناسب که دلالت بر وجود مضمون کند، پاسخی روشن و صریح وجود ندارد و این امر وابسته به معیارهای کمی نیست؛ بلکه، مهم این است که چه قدر به نکته مهم در مورد سؤالات تحقیق می‌پردازد. مضمون مبین تکرار است و مسئله‌ای که فقط یک‌بار در داده‌ها تکرار شده باشد، مضمون نامیده نمی‌شود (Braun, V. & Clarke, 2006 Pp.77-101). مگر این‌که نقش اساسی و برجسته‌ای در تحلیل نهایی داشته باشد (Horrocks, 2010, p. 150 & King).

با تحلیل مضامین، شبکه‌ای از مضامین ایجاد می‌شود و در نهایت با تحلیل آن‌ها مفاهیم کلیدی استخراج و مدل تبیین می‌گردد (Attrid-stirling, ۳۸۹, p. ۲۰۰۱) در این پژوهش، بنابر مراحل تحلیل مضمون (Boyatzis, 199, 4) همه داده‌های دال بر خداولایی از عبارات صحیفه سجادیه (۱۲۷ داده)، جمع‌آوری شدند. برای این امر علاوه بر لفظ و مشتقات ولی، سایر مؤلفه‌های معنایی ولایت شامل اطاعت، تبعیت، قرب و حب بررسی شدند و به مفهوم عبارات و فرازها توجه شد. کدها و شناسه‌های اولیه (۱۶۰ مضمون) آن‌ها استخراج شد. در مرحله بعد، کدهای حاصل از تمامی داده‌ها تلفیق و ترکیب و در قالب مضامین پایه (۴۸ مضمون) مرتب شدند و پس از پالایش آن‌ها، مضامین سازمان‌دهنده (۲۲ مضمون) و فراگیر (۹ مضمون) تشکیل شدند. در این مرحله، داده‌ها، بر اساس شبکه‌ی مضامین تعریف و تحلیل شدند.

مفهوم خداولایی

واژه ولایت و مشتقات آن از جمله واژه‌های پر استعمال قرآن کریم است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۳۵) قرب و رابطه خاص، معنای مشترک و اصلی این واژه است. (فیومی، ۱۴۱۴، ۲، ۶۷۲؛ قرشی، ۱۴۱۲، ۷، ۲۴۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴، ۴۹۴) نیز اکثر مفسران آن را به معنای محبت و دوستی دانسته‌اند. (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ۴) سیاست کردن، سلطنت، سرپرستی (جوهری، ۱۲۷۰، ۶، ۲۵۲۸)، عهده دار و اداره کننده امور، تدبیر و امر و نهی (ابن فارس ۱۴۰۴، ۱۴۱) و نیز هر کسی را که شخص

عبادت کند به معنای ولی است. (ابن سیده، ۴۵۸ق، ۱۰، ۴۵۷) مولا را به مالک، کارگردان، مدبر و سزاوار تر نسبت به شما نیز تفسیر کرده‌اند. (قرشی، ۱۴۱۲ق، ۷، ۲۴۵) همچنین ولایت به معنای نصرت آمده است. (طنطاوی، ۲۰۱۰م، ۴، ۱۸۹) که دو طرف به دلیل پیوند و پیمان همکاری، یکدیگر را یاری می‌کنند و از آن تعبیر به «ولاء» می‌شود لذا خداوند از برقراری این رابطه با غیر مومنان نهی می‌کند. مهمترین ویژگی در بررسی معنای ولایت در آیه (۵۱ مائده) مشاهده می‌شود. لذا تولی (ولایت‌پذیری) نسبت به هر ولی انسان را از اولیاء او می‌کند و این امر تا جایی ادامه می‌یابد که در ضمن این رابطه هر دو طرف یکی می‌شوند. خداوند به سبب مالکیت اصلی و سلطنت حقیقی و حق امر و نهی، ولی حقیقی است و در آیات فراوانی از آن یاد کرده‌است: (بقره، ۱۰۷)

ولایت، حقیقتی دوسویه است که از جانب پروردگار عالم و انتشار فیض و تجلی مولویت او و از جانب انسان قرب و دنو به ولی حقیقی و ساحت ربوبی مطرح است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۸) این وجه دوم که متضمن پذیرش ولایت خداوند از سوی انسان است، به خداولایی تعبیر شده است. خداولایی مسئولیت‌پذیری و اطاعت همراه با معرفت و محبت نسبت به خداوند، ضامن سعادت فردی و اجتماعی انسان در دنیا و آخرت و یکی از نشانه‌های ایمان است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶، ۳۱۰)

۱- عوامل خداولایی

با توجه به این حقیقت که معقول نیست خداوند آگاه و محیط بر همه امور از چیزی دور باشد و به تعبیر دیگر، قرب از جانب خداوند همواره حاصل است (وَ يَا مَنْ يَدُّوْا اِلَى مَنْ دَنَا مِنْهُ) (دعای ۴۵، فراز ۸)، برای تحقق ولایت، نیاز به حرکت و تلاش از جانب انسان است. انسان با انجام اموری که سبب قرب می‌شود به ولایت خداوند و نصرت و محبت او ورود پیدا می‌کند و این تقرب جستن و نیاز به ولایت در انسان به جهت این است که او فقر و ذلت را در خویش می‌یابد و به دنبال غنی و عزیز مطلق است تا در قرب او به غنا و عزت دست یابد (وَ الْعَزِيْزُ مَنْ اَعْرَضَتْهُ عِبَادَتُكَ) (۳۵ فراز ۴) (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۱).

از مهم‌ترین مباحث ولایت بعد از شناخت حقیقت، ولایت و علم به تحقق آن موجبات، اسباب و عوامل محقق شدن خداولایی است؛ چراکه راه رسیدن به مقام والای ولایت‌پذیری و در زمره اولیاءالله قرار گرفتن و ولی‌الله شدن را به ما نشان می‌دهد. با توجه به مضامین مستخرج از صحیفه سجادیه، این عوامل شامل سه مضمون فراگیر باورمندی و معرفت، عمل‌گرایی خالصانه و اذن هدایت و توفیق خداوند است که هر کدام شامل مضامین سازمان‌دهنده می‌باشند.

۱-۱. باورمندی و معرفت

یکی از مهم‌ترین عواملی که سبب نیل انسان به مقام ولایت‌پذیری خداوند می‌شود، باورمندی و معرفت اوست و عمل‌گرایی که مضمون فراگیر دیگری است، فرع بر آن است؛ چراکه عمل و اخلاص بدون معرفت حاصل نمی‌شود. عمل با موت انسان منقطع می‌شود، اما معرفت ابدی است. در بیان امیرالمومنین (ع) - (اساس تصمیم‌گیری دوران‌دیشی و زیرکی است) - (خوانساری، ۱۳۶۶: ۲ / ۳۰۹۵). این مدعا ثابت می‌شود که حزم یعنی همان زیرکی، برآمده از عقل نظری است و این شأن از عقل، اساس عزم و تصمیم به عنوان نتیجه عقل عملی است. حزم و تصمیم و عمل‌گرایی بدون معرفت، پایدار نمی‌ماند و با شکست و توقف مواجه خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۱).

باورمندی و اعتقاد شخص که در ظل عقل نظری است از مضامین فراگیر به دست آمده از صحیفه سجادیه است و شامل ۳ مضمون سازمان‌دهنده خوف، باور به مالکیت و رازقیت است.

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	شناسه‌های شناسایی شده	مآخذ	کد
خوف از خدا	ترس از خدا نفی ترس از غیر	خوف تنها شایسته خدا، ترسیدن از غیر، ترک نکردن هیچ امری از ترس غیر، آرامش	۶۰۵۴	۱. وَ رَهْبَتِي مِثْلَ رَهْبَةِ أَوْلِيَانِكَ، وَ اسْتَعْمَلِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا تُتْرَكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ.
		نتیجه خوف، خوف از حشر	۱۰۰۲۱ ۱۰	۲. إِنْ تَسَلَّى نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ، ۳. وَ اتَعَشُهُ بِخَوْفِكَ وَ بِالْوَجَلِ مِنْكَ.
باور به مالکیت	درک عجز و فقر ذاتی، حصر ترحم‌خواهی در خدا، باور به اراده غالب خدا، دوام و اطلاق مالکیت خدا، قاهریت و علو سلطه خدا.	اظهار فقر ۳، درک عجز و فقر ذاتی ۵، افتادگی و تواضع، اظهار جهل و بل‌کرداری، درخواست ترحم هنگام مرگ، درخواست ترحم در حشر و نشر، گریز و مفری از ولایت الله نیست، اعتراف و بازگشت از غفلت، بی‌نیازی خدا از طاعت، به دلیل دوام و اطلاق مالکیت خدا، باور به اراده غالب خدا ۳، عجز در طاعت، سلطنت بی‌حد و نهایت، تصرف انسان به امر و تدبیر خداست، شهادت به مالکیت، گردش همه اشیاء به اراده خدا، جریان قضا به قدرت او، عدم قدرت و توان بر خروج از سلطنت خدا، قدرت غالب خدا، مالکیت خدا بر نفس مکلف.	۴۰۵۳ ۵۳ ۵۳ ۵۳ ۵۲ ۵۲ ۵۱ ۵۰ ۴۶ ۴۸ ۴۸ ۴۸ ۳۷	۴. مَوْلَايَ اِزْحَمُ كَيْفِي لِحُرِّ وَجْهِهِ وَ زَلَّةِ قَدَمِي، وَ عُدَّ بِحَلِيمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي وَ بِاِحْسَابِكَ عَلَيَّ اِسْءَاتِي، ۵. مَوْلَايَ وَ اِزْحَمِي اِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا اَثْرِي، ۶. مَوْلَايَ وَ اِزْحَمِي عِنْدَ تَغْيْرِ صُورَتِي، ۷. مَوْلَايَ وَ اِزْحَمِي فِي خَشْرِي وَ نَشْرِي، ۸. اَوْ كَيْفَ يَنْجُو مِنْكَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِي غَيْرِ مُلْكِكَ، ۹. فَاسْأَلْكَ يَا مَوْلَايَ سَوْأَلَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِيَةٌ لِطَوْلِ اَمَلِهِ، وَ بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرْوِهِ، وَ قَلْبُهُ مَقْتُونٌ بِكَثْرَةِ النِّعَمِ عَلَيْهِ، وَ فِكْرُهُ قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ اِلَيْهِ، ۱۰. وَ لَا بَدِي قُوَّةً فَاتَّصِرْ، وَ لَا مَقْرَ لِي فَافْرٍ ۱۱. وَ مُلْكِكَ اَذْوَمٌ مِنْ اَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةَ الْمُطِيعِينَ، ۱۲. لَمْ يَهِنْ عَلَيَّ طَوْلُ مَدْبَهْتُمْ سُلْطَانُكَ، ۱۳. لِلَّهِمْ اِلَيْكَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِي، وَ بِكَ اَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فِقْرِي وَ قَافِي وَ مُشْكِنِي... وَ بِفِقْرِي اِلَيْكَ، وَ غَنَاكَ عَنِّي ۱۴. لَا يَغَالِبُ اَهْلُكَ، وَ لَا يَجَاوِزُ الْمُخْتَوِّمُ مِنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَ اَنْتَ شِئْتَ ۱۵. فَاِنِّي لَنْ اَعُوذَ لِسِي بِكَرْهَتِهِ مَتَى اِنْ شِئْتَ ذَلِكَ ۱۶. تَحْكُمُ بِنَا شِئْتَ عَلَيَّ مِنْ شِئْتَ، وَ تَقْضِي بِنَا اَزْدَتَ فِيمَنْ

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	شناسه‌های شناسایی شده	مآخذ	کد
			۳۷ فراز ۳۷، ۳۷ فراز ۱۳، ۳۲ فراز ۴، ۳۲ فراز ۵، ۶ فراز ۱۰، ۶ فراز ۲۱، ۷ فراز ۲، ۱۶ فراز ۳۴، ۱۱ فراز ۵، ۱۱ فراز ۶، ۲۲ فراز ۱،	<p>أرذت</p> <p>۱۷. و لَا تَبْلُغْ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقْضًى دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ</p> <p>۱۸. فَاشْكُرْ عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنِ الشُّكْرِ، وَ اعْتَدِهِمْ مُقَضَّرٌ عَنِ طَاعَتِكَ</p> <p>۱۹. ثُمَّ لَمْ تَسْمَعْ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يُقَوَّى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ، وَ لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ فِي الْأَلَاتِ الَّتِي تَسْتَبِي بِاشْتِعْمَالِهَا إِلَى مُغْفِرَتِكَ، وَ لَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ وَ حَمَلَهُ مَا سَعَى فِيهِ جِزَاءً</p> <p>۲۰. لِلصُّغْرَى مِنْ أَيْبَاكَ وَ مِينِكَ، وَ لَبِقَى زُهَيْنًا بَيْنَ يَدَيْكَ بِسَائِرِ بَعْمِكَ، فَمَتَى كَانَ يَسْتَحِقُّ شَيْئًا مِنْ نَوَائِكَ؟ لَا مَتَى؟</p> <p>۲۱. عَزَّ بِسُلْطَانَتِكَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِأَوْلَيْتِهِ، وَ لَا مَتْنَهَى لَهُ بِآخِرِيَّتِهِ</p> <p>۲۲. وَ اسْتَعْلَى مَلِكُكَ عَلَوًا سَقَطَتِ الْأُنْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمْدِهِ</p> <p>۲۳. أَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ بِخَوِينَا مَلِكُكَ وَ سَلْطَانُكَ، وَ تَضَمَّنَا مَسْبُوكًا، وَ تَتَصَوَّفُ عَنِ أَمْرِكَ، وَ تَنْقَلِبُ فِي تَدْبِيرِكَ.</p> <p>۲۴. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ... مَالِكُ الْمَلِكِ،</p> <p>۲۵. جِزَى بَقْدَرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَ مَصَّتْ عَلَى إِزَادَتِكَ الْأُنْيَاءُ... بِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مَنَزَجْرَةً.</p> <p>۲۶. إِنَّكَ تَعْمَلُ مَا تَشَاءُ، وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ</p> <p>۲۷. فَأَنْبَى عِبْدَكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ... وَ لَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ، وَ لَا اسْتِطَاعَةَ مُجَاوَزَةَ قُدْرَتِكَ</p> <p>۲۸. اللَّهُمَّ إِنَّكَ كَلَّمْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا أَنْتَ أَعْلَمُكَ بِهِ مِنِّي، وَ قُدْرَتِكَ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ أَغْلِبُ مِنْ قُدْرَتِي،</p> <p>۲۹. أَوْ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْوِيَ مِنْكَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِكَ</p> <p>۳۰. وَ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ سَابِغَةٍ أَفْرَزْتَ بِهَا عَيْنِي،</p> <p>۳۱. أَوْ حَظْرَتِكَ عَلَيَّ، رِزْقَكَ أَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبِيحَكَ لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ</p>
یاور به رازقیت	انحصار رازقیت در خدا	حیات وابسته به رزق، رزق تنها از خداست، فراوانی نعمت	۵۲ فراز ۱، ۲۱ فراز ۵،	

۱-۲. عمل‌گرایی خالصانه

در بحث باورمندی، معرفت و علم، اهمیت عقل عملی و نظری در تشخیص مسائل تبیین شد. همان‌گونه که بیان شد، کمال عقل عملی در اخلاص در عمل برای خداوند است؛ لذا، عمل‌گرایی یکی دیگر از مضامین فراگیر ولایت‌پذیری استنباط شده از صحیفه سجادیه است که شامل مضامین سازمان‌دهنده تقوا، عبادت، دعا، حمد و استعاذه می‌شود.

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	شناسه‌های شناسایی شده	مآخذ	کد
عمل گرایی خالصانه	عصمت از گناه ثبات قدم در عمل به شریعت و ترک معاصی تضاد با ولایت شیطان	اصلاح روابط مومنان، آگاهی خدا بر تقوا، عصمت از گناه و لغزش و خطا به وسیله تقوا، ثبات قدم در عمل به شریعت و ترک معاصی، تقوا خلاف طریقت شیطان	۱۱فراز۲۵ ۲۰فراز۲۰ ۵فراز۱۷	۳۲. الْمَغْضُوبِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَّاتِ وَالْخَطَاةِ يَتَفَرَّقُ ۳۳. وَأَقْرَبُهُمْ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ، وَأَوْفَقَهُمْ عَمَّا حَدَرْتَ مِنْ نَهْيِكَ ۳۴. وَرَوَّدَنَا مِنَ التَّقْوَىٰ حَيْثُ غَوَّيْتَهُ، وَ اسَلِّكْ بِنَا مِنَ التَّقَىٰ خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَىٰ.
	عبادت و عبودیت محض	سرشارشدن عمر از عبادت، دوری شیطان به وسیله عبادت، دشمنی با شیطان به وسیله عبودیت	۱۷فراز۴۴ ۱۷فراز۳ ۱۷فراز۱۱	۳۵. اللَّهُمَّ اشْحَنَّهُ بِعِبَادَتِكَ يَا كَ، ۳۶. اللَّهُمَّ احْشَاهُ عَمَّا بِيَدَيْكَ، وَ اكْبِئْهُ بِدُعَائِنَا فِي مَحْتَبِكَ ۳۷. عَاذَهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ التَّوْبَةِ
	دعای عبودی	عبادت بودن دعا، کثرت دعا، دعا امر خداوند، اعتماد و باور به استجابات، اشتیاق در دعا	۱۵فراز۴۵ ۲۵فراز۸ ۱۱فراز۳۱ ۶فراز۵۴	۳۸. فَسَبِّحْهُ دُعَاءَكَ عِبَادَةً، ۳۹. اللَّهُمَّ فَاقْبَلْهُ سُلْطَانَةً عَمَّا بِسُلْطَانِكَ حَتَّىٰ تَحْبِسَهُ عَمَّا يَكْثُرُهُ الدُّعَاءُ لَكَ ۴۰. اللَّهُمَّ هَذَا أَنَا ذَا قَدِّحْتِكَ مَطِيْعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنْ الدُّعَاءِ، مُتَّبِعًا وَعَدَّتْكَ فِيمَا وَعَدْتَّ بِهِ مِنْ الإِجَابَةِ إِذْ تَقُولُ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ. ۴۱. اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِي مَسْأَلَتِي مِثْلَ رَغْبَةِ أَوْلِيَائِكَ فِي مَسْأَلِهِمْ
	حمد	حمد سبب خوشبختی و در زمره اولیاء قرار گرفتن	۱فراز۳۰	۴۲. حَمْدًا نَسْتَعُدُّ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَ نَصِيرَةً بِهِ فِي نَعْمِ السُّعْدَاءِ يَسْتَوْفِئُ أَهْلِيَّ، إِنَّهُ وَلِيُّ الْخَيْرِ
	استعاذه	پناه به خدا از جمیع مکایب شیطان، پناه به خدا از اعتماد به شیطان	۱۷فراز۱ ۲۳فراز۶	۴۳. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَرْغَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكَائِدِهِ، وَ مِنْ لَقَعَةِ يَأْمَانِيهِ وَ مَوَاعِيدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَصَائِدِهِ. ۴۴. وَ أَعْدُنِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

پس از شناخت عوامل معرفتی در تحقق ولایت خداوند، بحث از عمل کرد خالصانه انسان یعنی، تلاشی که تنها با هدف و نیت رضایت پروردگار انجام شود، حائز اهمیت است. (... وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَجْمَلُونَ) (انعام، ۱۲۷)؛ «... او، ولی و یاور آن‌هاست به خاطر اعمال (نیکی) که انجام می‌دادند». رسیدن به ولایت خداوند متعال عمل و تلاش انسان معرفی شده است (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۴ / ۶۴۴؛ قرآنی، ۱۳۸۸: ۲ / ۵۵۲)؛ خداوند متعال متولی آنانی است که اعمال صالح انجام می‌دهند.

بین نفس و بدن تعلق وجود دارد. آثار نفس در جسم پدیدار است و همین‌طور، اعمال بدنی به نفس صعود می‌کند. اگر انسانی در کنار معرفت، مراقبت بر اعمالی کند؛ آثارش در نفس او پدیدار می‌شود. بنابراین، علم و معرفت دو مفهوم اساسی و دو بال برای ولایت‌پذیر است تا به ولایت الهی و مقامات عالی انسانی نائل شود (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۳ / ۳۷۵). امام سجاد (ع) عمل به قوانین و احکام را از ضروریات عامل دین معرفی می‌کند (دعای ۴۹، بند ۱۴).

عبادت یکی از راه‌های محقق شدن ولایت است؛ چراکه، انسان به وسیله عبادت محبوب خدا و در نتیجه وارد مقام ولایت می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷۰).

این مفهوم در روایتی مشهور از پیامبر معروف به روایت قرب نوافل بیان شده است که هیچ بنده‌ای از بندگانش با وسیله‌ای محبوب‌تر از انجام فرائض به من تقرب نمی‌جوید؛ یعنی، بهترین راه تقرب به خداوند انجام فرائض است. سپس فرمود: همان‌طور که انجام فریضه موجب قرب است، انجام نوافل نیز موجب تقرب می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۵۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷۰).

امام سجاد (ع) راه‌هایی و دور شدن از شیطان را عبادت خداوند معرفی می‌کند. «اللَّهُمَّ احْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ، وَ اكْبِئْهُ بَدْءِ وِثْنَا فِي مَحَبَّتِكَ» (خدایا به عبادت خود او را از پیش ما دور گردان و به پایداری ما در دوستی تو او را مقهور ساز) (دعای ۱۷، بند ۳).

۳-۱. توفیق و فضل الهی

دو مضمون باورمندی و عمل‌گرایی به عنوان عامل ورود به ولایت‌الله بررسی شد. مضمون فراگیر دیگری که در بیان صحیفه سجاده، این دو مضمون را در سایه قدرت خود شکل می‌دهد، توفیق و فضل الهی است و بدون آن شناخت و رفتار صحیح صورت نمی‌گیرد. دعای چهل و پنجم صحیفه سجاده ولایت خدا را هم در معرفت و هم در عمل بیان می‌کند، سپس توفیق خداوند را عامل این دو معرفی می‌نماید: «أَنْتَ وَلِيُّ مَا آتَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ، وَ هَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ، وَ قَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَي تَقْصِيرٍ» (تویی صاحب اختیار و سرپرست؛ که ما را به شناسایی آن برگزیدی و به راه و روش آن هدایت‌مان کردی؛ و ما به توفیق تو، با همه کوتاهی و تقصیر، عهده‌دار روزه و شب‌زنده‌داری او شدیم) (دعای ۴۵، بند ۴۴). هم‌چنین، در دعای یکم معرفت حمد و ستایش را از جانب خداوند می‌دانند. «وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ... فَلَمْ يَحْمَدُوهُ...» (همه ستایش‌ها مخصوص خداست که اگر بندگانش را از شناخت سپاس‌گزاری‌اش... به چاه محرومیت می‌انداخت... او را سپاس نمی‌گزاردند) (دعای ۱، بند ۸).

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	شناسه‌های شناسایی شده	مآخذ	کد		
مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	شناسه‌های شناسایی شده	مآخذ	کد	
فضل و توفیق خداوند	هدایت، خداوند، ولایت اهل بیت،	هدایت خداوند، ولایت اهل بیت،	دعوت خدا، هدایت به سوی دین و آیین و راه، تصدیق ولایت اهل بیت، هدایت و نجات به وسیله ولایت اهل بیت، هدایت به سوی طاعت، هدایت او سبب دانایی و عدم گمراهی	۴۵... من بهد الله فهو المهتد ومن يطيل قلن تجد له ولينا مؤثرا ۴۶... يقوم بجهنم ويؤبونه... ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليهم ۴۷... فذكروك بعثك، و شكروك بعطيك، و دعوك بأهلك، ۴۸... فمنا بعونك ليته، ۴۹... الجواد بما شئت من فضلك، ۵۰... و زرتني في أموري كلها الكتابية، ۵۱... اللهم و اجعلني من اهل التوحيد و الإيمان بك، و الصديق برسولك، و الأئمة الذين حنت ممن يجري ذلك به و على يديه ۵۲... بل ملكك - يا ألهي - أمرهم قبل أن يملكو عبادتك، و أعددت ثوابهم قبل أن يعوضوا في طاعتك، و ذلك أن سئلك الإفضال، و عادتك الإحسان ۵۳... تشكر للمطيع ما أنت تؤتيه له ۵۴... و زمني من هذا ما أصل به إلى التوفيق في عملي ۵۵... و أوزعنا فيه شكر نعمتك ۵۶... و قنني لطاعة من سديني، و متابعتي من أرسديني. ۵۷... و تبني لي ذكرك في أوقات الغفلة، و استعملني بطاعتك في أيام الهفلة، و اتج لي إلى محبتك سبيلا سهلة ۵۸... و كبت في طاعتك بشي، و أحكم في عبادتك بصيرتي، و وقفتي من الأعمال لما تسيل به دنس الخطايا عني، ۵۹... اللهم صل على محمد و آله، كما هديتنا به، و صل على محمد و آله، كما استغفرتنا به ۶۰... و أن تجعل ما ذهب من جسيمي و عمري في سبيل طاعتك ۶۱... جفعا غاصما من مغصيتك، هاديا إلى طاعتك، مستعملا لمحبتك ۶۲... و لا تشغلني بالاهتمام عن تعاهد فروضك، و استعمال شئك ۶۳... فليهدنا بتوفيقك،... و لا تجعل لشيء من جورجتنا نفوذا في مغصيتك، ۶۴... و اجعل همسات قلوبنا، و حركات أعضائنا و لمحات أعيننا، و لهجات ألسنتنا في موجبات ثوابك حتى لا نفوتنا حسنة نتسحق بها جزاءك، و لا تبقى لنا سيئة نتسوجب بها عقابك ۶۵... و جورجتنا بطاعتك عن كل طاعة. ۶۶... اللهم و ما سؤل لنا من باطل فعوفنا... و أخيرن بتوفيقك عونتنا عليه... ۶۷... و حول سلطانة عنا، و اقطع رجاءنا منا، ۶۸... و لا أتميل هواك، و لا أبلغ رضاك، و لا أتأل ما عندك إلا بطاعتك و بفضل رحمتك. ۶۹... فزع قلبى لمحبتك، و اشغله بذكرك، و ائمه بخوفك و بالتوكل منك، و قوة بالزغبة إليك، و أمله إلى طاعتك، و أجر به في أحب السبل إليك، و ذلك بالزغبة فيما عندك أيام حياتي كلها، فأعطيني من نفسي ما يرضيك عني، و خذ لنفسي رضاها من نفسي في عافية ۷۰... و القوة على ما أمرتني به من طاعتك، و الاجتناب لما نهيتني عنه من مغصيتك.	کھف۱۷، ۵۴المائدہ، ۴۵فراز۱۶، ۴۵فراز ۱۹، ۴۵فراز ۲۱، ۵۱فراز ۲، ۴۸فراز۱۲، ۳۷فراز۷، ۳۷فراز۱۰، ۳۷فراز۱۶، ۴۳فراز۷، ۲۰فراز۸، ۲۰فراز۲۹، ۳۱فراز۱۱، ۳۱فراز۳۰، ۳۲فراز۲۸، ۶۶فراز۱۷، ۷فراز۹، ۹فراز۶، ۹فراز۷، ۲۱فراز۶، ۲۱فراز۱۰، ۲۲فراز۱، ۲۳فراز۳، ۵فراز۹، ۵فراز۱۲، ۴۴فراز۸، ۴۴فراز۱۶،	۴۵... من بهد الله فهو المهتد ومن يطيل قلن تجد له ولينا مؤثرا ۴۶... يقوم بجهنم ويؤبونه... ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليهم ۴۷... فذكروك بعثك، و شكروك بعطيك، و دعوك بأهلك، ۴۸... فمنا بعونك ليته، ۴۹... الجواد بما شئت من فضلك، ۵۰... و زرتني في أموري كلها الكتابية، ۵۱... اللهم و اجعلني من اهل التوحيد و الإيمان بك، و الصديق برسولك، و الأئمة الذين حنت ممن يجري ذلك به و على يديه ۵۲... بل ملكك - يا ألهي - أمرهم قبل أن يملكو عبادتك، و أعددت ثوابهم قبل أن يعوضوا في طاعتك، و ذلك أن سئلك الإفضال، و عادتك الإحسان ۵۳... تشكر للمطيع ما أنت تؤتيه له ۵۴... و زمني من هذا ما أصل به إلى التوفيق في عملي ۵۵... و أوزعنا فيه شكر نعمتك ۵۶... و قنني لطاعة من سديني، و متابعتي من أرسديني. ۵۷... و تبني لي ذكرك في أوقات الغفلة، و استعملني بطاعتك في أيام الهفلة، و اتج لي إلى محبتك سبيلا سهلة ۵۸... و كبت في طاعتك بشي، و أحكم في عبادتك بصيرتي، و وقفتي من الأعمال لما تسيل به دنس الخطايا عني، ۵۹... اللهم صل على محمد و آله، كما هديتنا به، و صل على محمد و آله، كما استغفرتنا به ۶۰... و أن تجعل ما ذهب من جسيمي و عمري في سبيل طاعتك ۶۱... جفعا غاصما من مغصيتك، هاديا إلى طاعتك، مستعملا لمحبتك ۶۲... و لا تشغلني بالاهتمام عن تعاهد فروضك، و استعمال شئك ۶۳... فليهدنا بتوفيقك،... و لا تجعل لشيء من جورجتنا نفوذا في مغصيتك، ۶۴... و اجعل همسات قلوبنا، و حركات أعضائنا و لمحات أعيننا، و لهجات ألسنتنا في موجبات ثوابك حتى لا نفوتنا حسنة نتسحق بها جزاءك، و لا تبقى لنا سيئة نتسوجب بها عقابك ۶۵... و جورجتنا بطاعتك عن كل طاعة. ۶۶... اللهم و ما سؤل لنا من باطل فعوفنا... و أخيرن بتوفيقك عونتنا عليه... ۶۷... و حول سلطانة عنا، و اقطع رجاءنا منا، ۶۸... و لا أتميل هواك، و لا أبلغ رضاك، و لا أتأل ما عندك إلا بطاعتك و بفضل رحمتك. ۶۹... فزع قلبى لمحبتك، و اشغله بذكرك، و ائمه بخوفك و بالتوكل منك، و قوة بالزغبة إليك، و أمله إلى طاعتك، و أجر به في أحب السبل إليك، و ذلك بالزغبة فيما عندك أيام حياتي كلها، فأعطيني من نفسي ما يرضيك عني، و خذ لنفسي رضاها من نفسي في عافية ۷۰... و القوة على ما أمرتني به من طاعتك، و الاجتناب لما نهيتني عنه من مغصيتك.
	توفیق،	تمهید، لزوم طاعت، دفع مزاج طاعت، معرفت به ولایت شیطان	توفیق شکر، توفیق یاد خدا، یاری خدا برای قیام در شب، درخواست توفیق ۲، توفیق طاعت و پیروی از هدایت کننده، توفیق یاد و طاعت، گشایش راه آسان محبت خدا، ثبات نیت در طاعت، توفیق عمل پاک کننده گناهان، توفیق گذران عمر بر طاعت، حفظ از گناه، به کارگیری در مسیر محبت، یاری به وسیله توفیق ۲، عدم نفوذ معصیت در جوارح ۲، به کارگیری اعضا و جوارح در ثواب ۲، معرفت به حربه‌های شیطان، برگرداندن تسلط و ولایت شیطان، قطع امید شیطان، توفیق حب و رغبت و میل به طاعت، توفیق رضایت نفس در آنچه مورد رضای خداست، قوت در واجب و ترک معاصی، نگهداری خدا سبب سلامتی، آگاهی به حدود، اوقات و واجبات نمازها، درخواست از خدا برای اعتدال، ثبات قدم و نجات			
	فضل،	کفایت، بصیرت،	بينا کردن در مسیر قرب و کرامت، کفایت ۲، سنت فضل، تشکر خدا، جزای او در برابر توفیق خود، بصیرت حکیمانه، توفیق واجب و مستحب با دفع هموم، فضل سبب طاعت و رضای الهی			

					۷۱. وَ قَنَا مَنَّكَ، وَ اِحْفَظْنَا بِكَ، وَ اِهْدِنَا اِلَيْكَ، وَ لَا تُبَاعِدْنَا عَنْكَ اِنَّ مِنْ نِعْمِهِ يَسْلُمُ وَ مِنْ نَهْوِهِ يَلْعَلُ، وَ مَنْ تَقَرَّرَتْ اِلَيْكَ نِعْمَتٌ... ۷۲. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ مِنْ وَاٰلَيْتَ لَمْ يَضُرُّهُ خُدْلَانُ الْخَاذِلِيْنَ، وَ مَنْ اَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعُ الْمَاعِيْنَ، وَ مَنْ هَدَيْتَ لَمْ يَغْوِهِ اِضْلَالُ الْمُضِلِّيْنَ ۷۳. وَ قَفْنَا فِيْهِ عَلٰى مُوَاقِفِ الصَّلٰوَاتِ الْخَمْسِ بِخُدُوْعِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ، وَ فُرُوْضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ. ۷۴. وَ اِنْ مَلْنَا فِيْهِ فَعَبَلْنَا، وَ اِنْ رَغْنَا فِيْهِ فَقَوَّعْنَا، وَ اِنْ اَشْمَلْنَا عَلَيْنَا عَدُوْكَ الشَّيْطَانَ فَاشْتَقَعْنَا مِنْهُ.
--	--	--	--	--	--

برای توفیق، معانی بسیاری شمرده شده که موافق گرداندن و فراهم کردن شرایط کافی برای انجام کار خیر برای یک فرد از سوی خدا از جمله آن‌هاست (جوهری، ۱۲۷۰ق؛ ابن منظور، ۱۴۱۴؛ ابویعلی موصلی، ۱۳۷۷). ربوبیت پیوسته الهی در شئون مختلف انسان‌ها همراه با تصرفاتی است مانند نمایاندن حقیقت به همراه دلیل، زینت‌بخشی حقیقت، اشتیاق و علاقه درونی نسبت به حقیقت و مقایسه ویژگی‌های حقیقت با سایر پدیده‌ها (حسینی دولت‌آباد، نقی‌زاده، ۱۳۹۷، ۲۷).

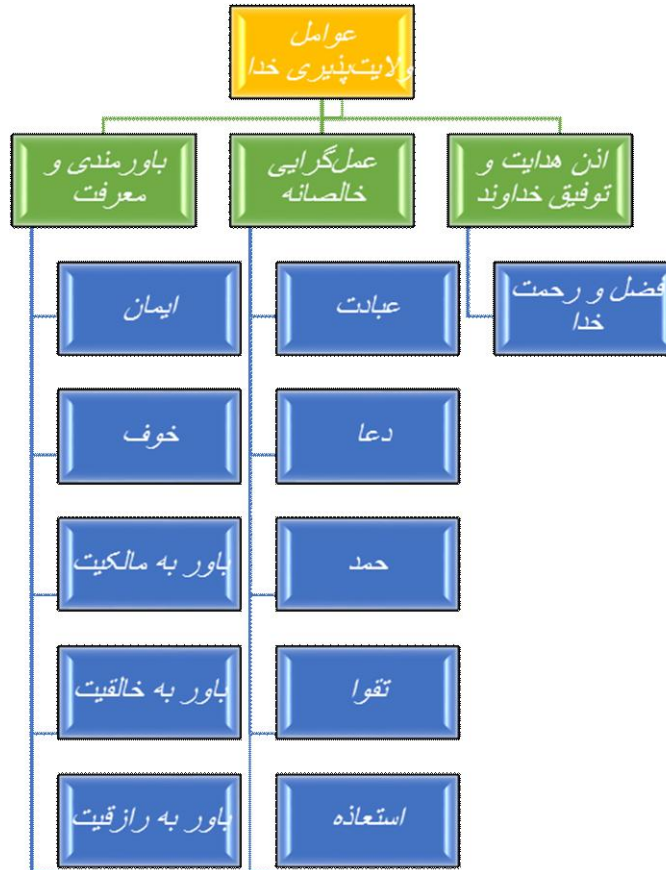
شیخ طوسی آن را لطفی از جانب خدا دانسته که اطاعت به وسیله آن انجام می‌شود؛ تا جایی که تنها خداوند می‌تواند انسان را بر طاعتش موفق کند. این توفیق در اموری مانند توفیق در توبه (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۷) شناخت اولیاء (هلالی، ۱۴۰۵: ۳۶۸). اجرای اوامر الهی (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۳۹۴)، شکر (امام جعفر صادق (ع)، ۱۴۰۰: ۲۵)، کسب علم (امام جعفر صادق (ع)، ۱۴۰۰: ۷۵)، هم‌نشینی با پرهیزکاران (امام جعفر صادق (ع)، ۱۴۰۰: ۱۵۰) مشورت کردن با عاقل (حلوانی، ۱۴۰۰: ۲۵) و هر خیری بیان شده است. (طبرسی، ۱۳۷۹: ۳۰۲).

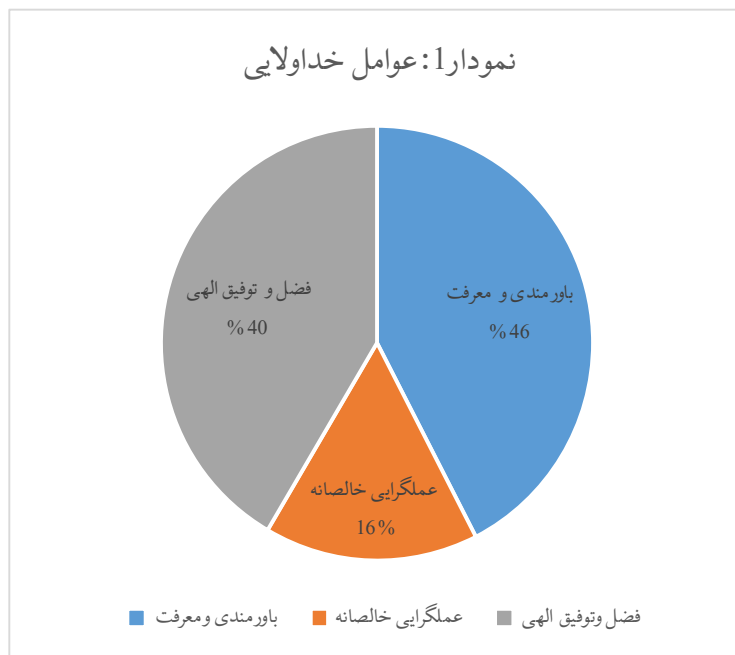
امام سجاد (ع) در فرازی ذیل ولایت، عطا و هدایت الهی را مانع ضرر و خسران و گمراهی توسط گمراه‌کنندگان می‌داند. «مَنْ وَاٰلَيْتَ لَمْ يَضُرُّهُ خُدْلَانُ الْخَاذِلِيْنَ... وَ مَنْ هَدَيْتَ لَمْ يَغْوِهِ اِضْلَالُ الْمُضِلِّيْنَ» (دعای ۵، بند ۱۲). ایشان ذکر و یاد خداوند را منت خداوند و سپاسگزاری و شکرش را به سبب فضل او بیان می‌کند: «فَدَعَوْتُكَ بِمَنَّكَ، وَ شَكَرْتُكَ بِفَضْلِكَ، وَ دَعَوْتُكَ بِأَمْرِكَ» (دعای ۴۵، بند ۱۶)، سپس خواندن خداوند توسط عبد را به امر او بیان می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت که هدایت الهی و توفیق از جانب او می‌تواند عاملی برای ولایت‌پذیر شدن انسان باشد.

ایشان قرار گرفتن در جایگاه نمازگزاران واقعی را که مصداق ولایت‌پذیران هستند، از خداوند خواستارند. «وَ أَنْزَلْنَا فِيْهَا مَثَرَةَ الْمُصِيبِيْنَ لِمَنْزِلِهَا...» (و ما را در ادای این نمازهای پنج‌گانه در رتبه کسانی قرار ده که به مراتب و منزلت‌های آن رسیده‌اند) (دعای ۴۴، بند ۸). و توفیق خداوند را موجب یاری و مدد

معرفی می کند. «فَأَيُّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ» (پس ما را توفیق مدد کن) (دعای ۹، بند ۶). توفیق پیروزی بر شیطان را نیز از خدا می خواهند. «وَ أَحْسِنُ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنًا عَلَيَّ» (و ما را به توفیق خود بر وی مدد کن) (دعای ۱۷، بند ۷).

درخت‌واره عوامل خداولایی





۲. مصادیق خداولایی

این بخش شامل مضامینی است که ولایت‌پذیری خدا در آن صدق می‌کند و می‌تواند به معنای ویژگی‌های خداولایی باشد. سه مضمون فراگیر اطاعت از ولی، اولویت‌بخشی و ترجیح ولی و منش و سلوک بندگی در این مبحث یافت شده است که هرکدام مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با محور را دارا هستند.

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	شناسه‌های شناسایی شده	مآخذ	کد
اطاعت از ولی	تبعیت	اطاعت و تبعیت از اولیاء الهی در همه امور پرهیز از تبعیت غیر،	پرهیز از تبعیت غیر، اطاعت محض اوامر ولی متذکر بودن، تبعیت از آنچه نازل شده، اطاعت و تبعیت از رسول، زینت اوقات، اقامه نماز، پرداخت زکات، انفاق ثبات در طاعت‌محوری در حبّ و بغض یا رضا و غضب، امر خدا آزمایش طاعت	۷۵. زَيْنَ اَوْقَاتِهِ بِطَاعَتِنَا لَكَ ۷۶. وَ اٰخِيْنَا عَلٰى سُنَّتِيْهِ، وَ تَوَكَّلْنَا عَلٰى مَلِيَّتِيْهِ وَ حُدِّبْنَا مِنْهَا جَاهَةً، وَ اَسْلَمْنَا بِنَا سَبِيْلَةً، وَ اجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ طَاعَتِيْهِ. ۷۷. وَ صَلِّ عَلٰى خِيْرَتِكَ اللّٰهُمَّ مِنْ حَلْقِكَ: مُحَمَّدٌ وَ عَشْرَتُهُ الصُّفْوَةُ مِنْ بَرِيَّتِكَ الطّٰهَرِيْنَ، وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِيْنَ وَ مُطِيعِيْنَ كَمَا اَمَرْتَ ۷۸. وَ لَا اَسْتَجِيْلُ هَوَاكَ، وَ لَا اَبْلُغُ رِضَاكَ، وَ لَا اَتَاَلُ مَا عِنْدَكَ اِلَّا بِطَاعَتِكَ وَ بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ. ۷۹. وَ الْاٰخِيْرَاسَ مِنْ الرَّزْلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةَ فِي خَالِ الرِّضَا وَ النُّصْبِ، حَتّٰى اَكُوْنَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُنَا بِمُتَوَلِّئَةٍ تَوَاوَا، غَايِلًا بِطَاعَتِكَ، مُوْتَرًا لِرِضَاكَ عَلٰى مَا سَوَّاهُنَا فِي الْاَوْلِيَاءِ وَ الْاَقْدَاةِ، حَتّٰى يَأْتَنَ عِدْوِي مِنْ طُلَمِيٍّ وَ جُوْرِيٍّ، وَ يَأْتِيْسَ وَّلِيِّي مِنْ مَثِيْلِيٍّ وَ الْحِطَّاطِ هَوَايَ ۸۰. ثُمَّ اَمَرْنَا لِيَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا،

۱-۲. اطاعت از ولی

اطاعت از مولی از لوازم خداولایی محسوب می‌شود، لذا بر شخص ولایت‌پذیر لازم است این وظیفه را به بهترین وجه ممکن انجام دهد تا صدق دعوی خود را بر ولی مطلق و حقیقی ثابت نماید. (طباطبایی، ج ۷: ۸۰) (وَ اجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ طَاعَتِيْهِ.... وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِيْنَ وَ مُطِيعِيْنَ كَمَا اَمَرْتَ) (دعای ۴۵، فراز ۳)؛ اطاعت از رسول در واقع، همان اطاعت از خداست چرا که تشریح‌کننده، تنها خداوند است. اطاعت از رسول به اذن خدا صادر شده و بر مردم واجب است. پیامبر علاوه بر آیات الهی دستورات لازم‌الاجرائی داشته‌اند که سنت ایشان محسوب می‌شد که معنای اطاعت از رسول عمل به آن سنت است. در این مورد رفتار و گفتار و کردار ایشان بر مردم حجت است (همان، ج ۷: ۹۷)

حضرت سجاد (ع) به عنوان مصداق اتم ولایت‌پذیری حق در دعای ماه رمضان: «اللّٰهُمَّ اشْحَنُهِ بِعِبَادَتِنَا اِيَّاكَ، وَ زَيْنَ اَوْقَاتِهِ بِطَاعَتِنَا لَكَ» (دعای ۴۴، بند ۱۷)؛ از خداوند درخواست می‌کند که اوقات و زمان‌های بارز این ماه را از عبادت خود سرشار کند و با اطاعت آن‌ها را زینت بخشد. عبادت می‌تواند به دو گونه انجام پذیرد، امور واجب که به آن‌ها امر شده است و اموری که انسان می‌تواند با نیت و قصد قربت انجام دهد و عبادت خداوند محسوب شود. مانند نیکی به والدین. اما، اطاعت معنای وسیع‌تری دارد و هرگونه اوامر و نواهی پروردگار و نیز کارهای توسلی که به قصد قربت انجام می‌شود و یا امور مباح که از سمت خداوند دستوری صادر نشده، زیرمجموعه اطاعت هستند؛ یعنی، رفتار انسان همواره مورد رضا و توافق خدا باشد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷: جلسه ۲۵). شحن به معنای پر کردن و سرشار کردن است (صفی پوری،

فرهنگ منتهی‌الارب فی لغه العرب: ۵۰). زمان‌های خالی کمین‌گاه و راه نفوذ شیطان است. حضرت سجاد (ع) از خداوند درخواست پر شدن تمام لحظات ماه رمضان را از عبادت خالصانه با لفظ ایاک و تنها و فقط برای خدا می‌کند و این‌که زینت و زیور این زمان‌ها با اطاعت خداوند آراسته شود، یعنی همواره مطیع او باشد. (انصاریان، دیار عاشقان). اطاعت اعم از عبادت است (ابن منظور، ۲۷۳: ۳). اما، امام درخواست می‌کند تا تمام لحظاتی که همراه با عبادت و اطاعت از خداوند باشد که این نهایت خضوع و وارستگی و عبودیت انسان را در این ماه نشان می‌دهد؛ یعنی، ولایت‌پذیری که همواره در اطاعتش عابد او نیز باشد.

در فرازی دیگر ایشان اطاعت پروردگار را سبب شرافت انسان و عبادت او را سبب عزت معرفی می‌کند. « فَإِنَّ الشَّرِيفَ مَنْ شَرَّفَتْهُ طَاعَتُكَ، وَ الْعَزِيزَ مَنْ أَعَزَّتْهُ عِبَادَتُكَ » (دعای ۳۵، بند ۴). هم‌چنین، عبادت‌های بسیار برآمده از طاعت خداوند را در امر اطاعت او کافی نمی‌دانند. « وَ لَا يَتَلَعَّ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقْصِرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ... وَ أَعْبُدُهُمْ مُقْصِرًا عَنْ طَاعَتِكَ » (دعای ۳۷، بند ۲).

۲-۲. اولویت‌بخشی به ولی

اولویت‌بخشی و ترجیح ولی، مضمون فراگیر دیگری است که ذیل مصادیق خداولایی قرار دارد. تبعیت از هر مولایی انسان را در ولایت او قرار می‌دهد. ترجیح و مقدم داشتن ولی نسبت به خود، در مواردی چون واگذاری اختیار به خداوند، ترجیح محبت، انقطاع و اکتفا به وجود ولی حقیقی تجلی می‌یابد.

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	شناسه‌های شناسایی شده	مآخذ	کد
اولویت‌بخشی و ترجیح ولی	درخواست و قبول تصرف ولی در امور	ترجیح	درخواست تصرف در عمر، درخواست تصرف در اراده، ترجیح درست بین رضا و سخط ولی ۲، واگذاری اختیار به ولی، ادای حق فرائض و حق الناس	۲۰ فراز ۱۴	۸۱. وَ عَمْرِي مَا كَانَ عَمْرِي بِذَلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عَمْرِي مَرْتَمًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَمْتَكَ إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبَكَ عَلَيَّ.
		تصرف ولی		۲۰ فراز ۱۹	۸۲. اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا، وَ أُنِيقْ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُضِلُّهَا، فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ نَجِيَّةٌ.
		در اراده		۲۰ فراز ۵	۸۳. وَ لَا أَظْلِمَنَّ وَ أَنْتَ مُطِيقٌ لِلدُّعَى عَلَيَّ، وَ لَا أَظْلِمَنَّ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي، وَ لَا أُضِلُّنَّ وَ قَدْ أَمَكَّنْتَنِي هِدَايَتِي، وَ لَا أَفْتَرُّنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وَ شِعْبِي، وَ لَا أَظْفِرُنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وَ جُدِي
		پذیرش و اظهار اختیار		۹ فراز ۳ و ۴	۸۴. وَ إِذَا هَمَمْنَا بِهَمِّينَ يُرِضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا، وَ يُسَخِّطُكَ الْآخَرَ عَلَيْنَا، قَبْلِ بِنَا إِلَى مَا يُرِضِيكَ عَنَّا، وَ أَوْهِنَ قُوَّتَنَا عَمَّا يُسَخِّطُكَ عَلَيْنَا
		تام خداوند		۲۱ فراز ۶	۸۵. لَا تُحَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفْسِنَا وَ اخْتِيَارِنَا، فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقْتَ.
واگذاری	۲۲ فراز ۶				
اختیار به ولی					

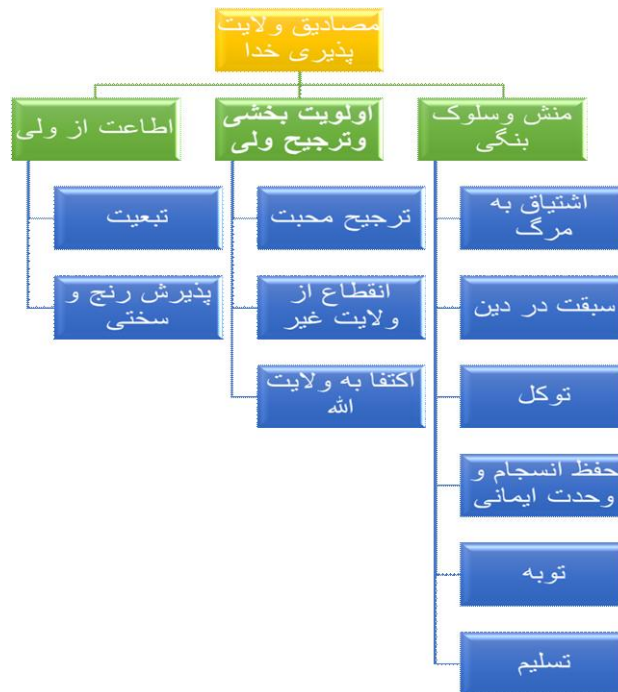
				<p>۵۶. لا أُنزِلُ مَعِ أَمْرِكَ، مَا ضِيءُ فِيهِ حُكْمُكَ،</p> <p>۸۷. أَفْضَى عَنِّي كُلُّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ مِنْ وَجْهِهِ طَاعَتِكَ أَوْ لِخَلْقِي مِنْ خَلْقِكَ</p>
	اولویت حب	شوق به ولی و پرهیز از غیر	<p>۲۱ فرآز ۱۱،</p> <p>۲۱ فرآز ۱۲،</p> <p>۲۱ فرآز ۱۰</p>	<p>۸۸. فَرِحْتُ قَلْبِي لِمَخِيَّتِكَ، وَ اشْغَلَهُ بِذِكْرِكَ، وَ انْعَشَهُ بِخَوْفِكَ وَ بِالْوَجَلِ مِنْكَ، وَ قُوَّهُ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَ أَمَلَهُ إِلَى طَاعَتِكَ، وَ أَخْرَجَهُ بِهِيَ فِي أَحَبِّ السُّئَلِ إِلَيْكَ، وَ ذَلَّلَهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ أَيْامَ خِيَابِي كُلِّهَا.</p> <p>۸۹. وَ رَغِبْتِي فِيمَا عِنْدَكَ، وَ أَلْبَسْتُ قَلْبِي الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَ هَبْتُ لِي الْأُنْسَ بِكَ وَ بِالْوَالِيَانِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ.</p> <p>۹۰. بَلِي لِجَعَلِ شُكْرِي قَلْبِي وَ أَنْسَ نَفْسِي وَ اشْتَفَانِي وَ كَفَانِي بِكَ وَ بِخِيَارِ خَلْقِكَ.</p>
	اکتفا و انقطاع از ولایت غیر	امید هر خیر و دفع هر سوء تنها از خدا	<p>۵۴ فرآز ۸،</p> <p>۵۲ فرآز ۹،</p> <p>۴۸ فرآز ۴،</p> <p>۴۸ فرآز ۵،</p> <p>۲۰ فرآز ۲۶،</p> <p>۲۰ فرآز ۲۲،</p> <p>۲۱ فرآز ۵،</p> <p>۲۸ فرآز ۱،</p> <p>۲۸ فرآز ۳ و ۸،</p> <p>۲۲ فرآز ۴،</p> <p>۵ فرآز ۷،</p> <p>۳۲ فرآز ۲۰،</p> <p>۳۲ فرآز ۲۲،</p>	<p>۹۱. وَ أَنْتَ أَوْلَى مِنْ رِجَاءِ، وَ أَحَقُّ مِنْ خَشْيَةِ وَ اتَّقَاهُ</p> <p>۹۲. وَ أَنْتَ أَوْلَى مِنْ تَوْقِي بِهِ، وَ أَغْطِي مِنْ رُغْبِ إِلَيْهِ، وَ أَرْأَتْ مِنْ اشْتُرْجَمَ، فَالْخِيَابِي</p> <p>۹۳. اللَّهُمَّ مِنْ أَصْبَحَ لَهُ نَفَقَةٌ أَوْ رِجَاءٌ غَيْرُكَ، فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ بَقِيَّتِي وَ رِجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا</p> <p>۹۴. سُؤَالَ مِنْ لَا رَبَّ لَهُ غَيْرُكَ، وَ لَا وَليَّ لَهُ دُونَكَ</p> <p>۹۵. فَإِنِّي لَمْ أَصِبْ خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ، وَ لَمْ يَصْرِفْ عَنِّي سُوءٌ قَطُّ أَحَدٌ غَيْرُكَ، وَ لَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ سِوَاكَ.</p> <p>۹۶. اللَّهُمَّ مِنْ نَهَيْتَا وَ تَعَنَّا وَ أَعَدَّ وَ اشْتَعَدَّ لِرِجَائِي إِلَى مَخْلُوقٍ رِجَاءَ رِفْدِهِ وَ تَوَالِيهِ وَ طَلَبْتِي لَهُ وَ جَارَيْتَنِي، فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتْ الْيَوْمَ تَهَيُّبِي وَ تَعَيُّبِي وَ اِعْدَادِي وَ اشْتِعَادِي رِجَاءَ عَفْوِكَ وَ رِفْدِكَ وَ طَلَبْتِيكَ وَ جَارَيْتِكَ.</p> <p>۹۷. وَ تَوَجَّيْتُ بِالْكَفَايَةِ، وَ سَمِعْتِي حُشْنَ الْوَالِيَةِ</p> <p>۹۸. وَ لَا تَبْتَذِلْ جَاهِي بِالْاِقْتَارِ فَاسْتَوْرِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ اسْتَعْطِي شِرَارَ خَلْقِكَ، فَاقْتِنِ بِخُدْنِ مِنْ اِعْطَانِي، وَ اِبْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مَتَعْنِي، وَ أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَ لِي الْاِعْظَاءُ وَ الْمَتْنَعُ.</p> <p>۹۹. اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِاِقْتِطَاعِي إِلَيْكَ وَ أَقْبَلْتُ بِكُلِّي عَلَيْكَ وَ صَرَفْتُ وَجْهِي عَنِّي بِخِتَانِ إِلَى رِفْدِكَ</p> <p>۱۰۰. فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مَسْئُولٍ مُؤَضِّعٍ مَسْأَلَتِي، وَ دُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَ لِي حَاجَتِي</p> <p>۱۰۱. أَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبِيحَ لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرُكَ</p> <p>۱۰۲. فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي عَجَزْتُ عَنْهَا وَ لَمْ أَقْمِ مَا فِيهِ مَضْلَحَتَهَا، وَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى خَلْقِكَ تَجَهَّمْتَنِي، وَ إِنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى قُرَائَتِي حَزْمُونِي،</p> <p>۱۰۳. وَ اِكْتَفَا وَ حَشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصِلَتِكَ حَتَّى لَا نَزَعْتَ إِلَيَّ أَخْبَارَ مَعِ بَدْلِكَ، وَ لَا تَسْتَوْحِشْ مِنْ أَخْبَارِ مَعِ فَضْلِكَ.</p>

۲-۳. منش و سلوک بندگی

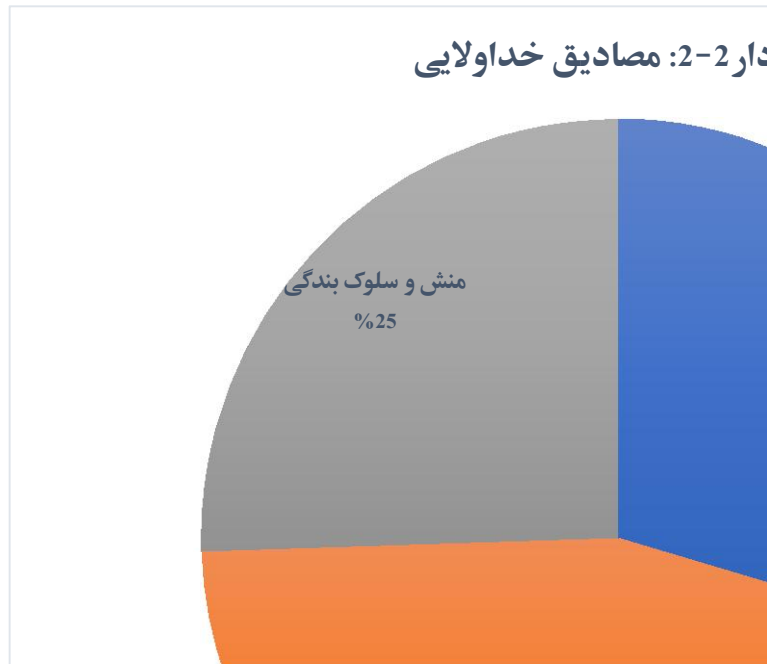
مضمون فراگیر منش و سلوک بندگی شامل ویژگی‌هایی است که خداولایی با آنها محقق می‌شود و

شامل مضامین سازمان‌دهنده حفظ انسجام و وحدت ایمانی، تسلیم و توبه می‌باشد.

کد	مآخذ	شناسه‌های شناسایی شده	مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱۰۴. الَّذِينَ قَصَدُوا سَخَطَهُمْ، وَ تَحَزَّوْا وَجْهَتَهُمْ، وَ مَضَوْا عَلَيَّ شَاكِلِيَهُمْ ۱۰۵. مَكَانِيْنَ وَ مُوَارِيْنَ لَهُمْ، يَدْبِيْنَ يَدْبِيَهُمْ، وَ يَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ، يَتَّقُونَ عَلَيَّهِمْ، وَ لَا يَعْهُمُوهُمْ فِيمَا أَدَّوْا إِلَيْهِمْ ۱۰۶. لَمْ يَنْتِهِمْ رَبِّيْ فِى بَصِيْرَتِهِمْ، وَ لَمْ يَخْلُجْهُمْ شَكٌّ فِى قَلْوِ آتَارِهِمْ، وَ الْإِيْتِمَامُ بِهَدَايَةِ مَنَارِهِمْ	المائده ۵۴، فراز ۴	پیرو خط مشی یاران پیامبر، یارو مددکار آنان، قبول دین آنها، عدم شک و تردید در پیروی از آنها	پیروی از اهل ایمان در هدایت و خیرات پرهیز از انشقاق در امت	حفظ انسجام و وحدت ایمانی	
۱۰۷. حَبِيبٌ اِيْتِنَا مَا نَكْرَهُ مِنْ قَضَائِكَ، وَ سَهْلٌ عَلَيْنَا مَا نَشْتَضِعِبُ مِنْ حُكْمِكَ ۱۰۸. اَلِهَيْمُنَا الْاِيْتِمَادُ لِمَا اُوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَثَبِيْكَ حَتَّى لَا نُجِبُ تَاخِيْرًا مَا عَجَلْتَ، وَ لَا تَعْجِيْلًا مَا اَخْرَجْتَ، وَ لَا تَكْرَهًا مَا اَحْبَبْتَ، وَ لَا تَتَّخِيْرًا مَا كَرِهْتَ. ۱۰۹. فَاِنِّيْ عِنْدَكَ وَ فِى قَبْضَتِكَ، نَاصِيْتِيْ يَتِيْدَكَ. ۱۱۰. وَ اَسْئَلُ بِطَاعَتِكَ نَفْسِيْ عَنِ كُلِّ مَا يَرُدُّ عَلَيَّ حَتَّى لَا اُجِبُ شَيْئًا مِنْ سَخَطِكَ، وَ لَا اَسْخَطُ شَيْئًا مِنْ رِضَاكَ.	فراز ۳۳، فراز ۳۳، فراز ۲۱، فراز ۲۱، فراز ۴	حب قضای مکروه، عدم تعجیل در موخرات الهی، اختیار نکردن مکروهات الهی، تسلیم در حب و اکراه	تسلیم در حب و اکراه	تسلیم	
۱۱۱. وَ اِجْمَعْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَالِيْنِ الَّذِيْنَ اُوْجِبْتَ لَهُمْ مَحَبَّتَكَ، وَ قَلْبٌ مَّبْتُهُمْ مُرَاجَعَةٌ طَاعَتِكَ. ۱۱۲. فَاَنَا الْمَقْرُؤُ بِدَبِّيْ، الْمَعْتَرُفُ بِخَطِيْئَتِيْ، ۱۱۳. تَوْبَةٌ تُوجِبُ لِيْ مَحَبَّتَكَ، ۱۱۴. وَ اَتَقَطَّرُ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا.	فراز ۴۵، فراز ۵۳، فراز ۳۸، فراز ۱	وجوب محبت بر توبه کننده، قبول بازگشت به توبه، اقرار به گناه، اعتراف به خطا، انتظار خدا با مهربانی و حلم برای توبه کننده	وجوب محبت بر توبه کننده	توبه	



شکل ۲-۲: مصادیق خداولایی



۳. آثار خداولایی

حقیقت ولایت همان توحید است و پیوستن به حقیقت مطلق برای انسانی که از سنخ آن است، تنها راه سعادت و تکامل است. راهی که هدف بعثت تمام رسولان بوده و هدف از آفرینش انسان، نیل به حقیقت عالم و ولی مطلق است که با پیروی از قانون‌گذاری خداوند می‌تواند به آن دست یابد، این مهم‌ترین دستاورد مسیر ولایت الهی است که هدف غایی خلقت انسان است.

امام سجاد (ع) از خداوند می‌خواهد در مدت محدود عمر، او را در مسیر طاعت خویش گمارد و مسیر ولایت و نیل به محبت خودش را برای او سهل کند و بدین وسیله خیر دنیا و آخرت را برای او کامل کند: «وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهِلَةِ، وَ انْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.» (و در روزگار فراغتم، مرا به اطاعت خود وادار و برای وصول به دوستی خود، راهی هموار پیش رویم نه، تا بدان نیکی دنیا و آخرتم را کامل گردانی) (دعای ۲۰، بند ۲۹).

جدول ۲-۳: آثار خداولایی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه	شناسه های شناسایی شده	مآخذ	کد
رحمت و نعمات بهشتی در آخرت	رحمت و نعمات بهشتی	سلامت و امنیت، مغفرت، کرامت، اجر و فضل خداوند، رضوان، احسان، جنت	قرار گرفتن در رحمت خدا نشانه آمزش، کرامت فراوان. رحمت، مقامات رفیع.	۱۲۴۴فراز ۱۱۵۲فراز	۱۱۵. وَ أَنْ تَتَّبِعُنِي بِالْكِبَرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ ۱۱۶. أَتَقَلَّبْنَا فِيهَا لَنَا وَعَدَّدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ... وَ اجْعَلْنَا فِي نَقْمٍ مِنْ امْتِحَانِ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ.
قرب	قرب به خدا	ولایت و سیره معصومان تقرب موجب رضا و قرب الهی و آرامش	وجوب رضای خدا برای متقرب، تقرب جستن سبب قرب به خدا، ولایت و سیره پیامبر و حضرت علی (ع) و انمه اطهار سبب قرب، اعمال پاک سبب طهارت از گناه، آرامش در مقام قرب	۲۱۴۵فراز ۵۰۴۵فراز ۸۴۵فراز ۱۶۴۹فراز ۱۱۴۴فراز ۲۵فراز	۱۱۷. أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِمُرَبَّةٍ أَوْجَبْتَ رِضَاكَ لَهُ. ۱۱۸. الْقَرِيبُ إِلَى مَنْ خَاوَلَ قُرْبَكَ. ۱۱۹. يَا مَنْ يَنْدُو إِلَيَّ مِنْ دَا مِئَةٍ. ۱۲۰. اتَّقَرَّبَ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ، وَ الْعُلُوبِيَّةِ النَّبِيَّاهِ، وَ أُتَوَّجَّهَ إِلَيْكَ بِهِمَا ۱۲۱. وَ أَنْ تَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الرَّائِجَةِ بِمَا تَطَهَّرْنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ ۱۲۲. السَّاكِبِينَ فِي جِوَارِكَ.
کلمات نفسانی	کامل کننده فضایل اخلاقی	خضوع شرح صدر آرامش اطمینان رهایی از حزن و ترس	پذیرش ولایت و قضای الهی موجب آرامش، شرح صدر، اطمینان به خیر بودن قضا، رضای بودن به داشته ها، و شکر بیشتر بر نداشته ها، طاعت عامل خشیت و خضوع در برابر خدا، گسترش عدل، کظم غیظ، اصلاح بین مؤمنان، سیرت نیکو	۲۰۵۲فراز ۳۵فراز ۲۰فراز	۱۲۳. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ طَلِّبْ بِفَضْلِكَ نَفْسِي، وَ وَسِّعْ بِمَوَاقِفِ حُكْمِكَ صَدْرِي، وَ هَبْ لِي النِّقْمَةَ لِأَجْرِ مَعَهَا بِأَنْ قَضَاءَكَ لَمْ يَنْجِرْ إِلَّا بِالْخَيْرَةِ، وَ اجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا رَزَيْتَ عَلَيَّ أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِلَيْكَ عَلَى مَا خَوَّلْتَنِي ۱۲۴. شُجَانَتِكَ أَخْضَى خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ، أَخَضُّهُمْ لَكَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ، ۱۲۵. وَاللَّيْسِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي تَسْبِيحِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ إِطْفَاءِ النَّارِ، وَ سَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِقْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ شَرْهِ الْعَالِيَةِ، وَ لِيْلِ الْغَرِيبَةِ، وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حَسَنِ السَّيْرِ، وَ شُكْرِ الرَّبِّ، وَ طَيْبِ الْمُخَالَفَةِ، وَ الشُّبْحِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَ إِتْيَارِ التَّقْضَلِ، وَ تَزَكِّيِ التَّغْيِيرِ، وَ الْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ، وَ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ، وَ اسْتِثْلَالِ الْخَيْرِ وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اسْتِجْثَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ أَكْمَلِ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَ لُرُومِ الْجَمَاعَةِ
	بزرگ منشی	شرافت عزت غنا	عزت تنها در ولایت خدا، شرافت در طاعت و عزت در عبادت، بی نیازی از غیر	۳۵فراز ۱۰۵۲فراز	۱۲۶. فَإِنَّ الشَّرِيفَ مِنْ شَرَفَةِ طَاعَتِكَ، وَ الْعَزِيزَ مِنْ أَعَزَّةِ عِبَادَتِكَ ۱۲۷. وَ أَنْ تُغْنِيَنِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ بِعِبَادَتِكَ.

۳-۱. رحمت و نعمات بهشتی در آخرت

برخورداری از نعمت های بهشتی و عنایات خاص خداوند از جمله دستاوردهایی است که به انسان ولایت پذیر وعده داده شده است. جهان دیگر بازتاب و تجلی نفس انسان و مکتسبات او در این دنیا است. از آن جایی که عمل کردن مطابق سرشت و مصلحت وجود انسان در راستای ولایت الهی است و انسان تنها

با طی این مسیر به رشد و کمال دست می‌یابد، لذاست که در آخرت نفس رشد یافته، با کمالاتی که در این دنیا کسب کرده است، ظهور پیدا می‌کند. تجلی این نعمات به شیوه‌های مختلفی بیان شده است. از جمله آن‌ها، کرامت (دعای ۴۴، بند ۱۲. دعای ۳۷، بند ۱۰)، رحمت و مغفرت (دعای ۵۲، بند ۱۰) و... است.

۲-۳. هدایت و قرب به خدا

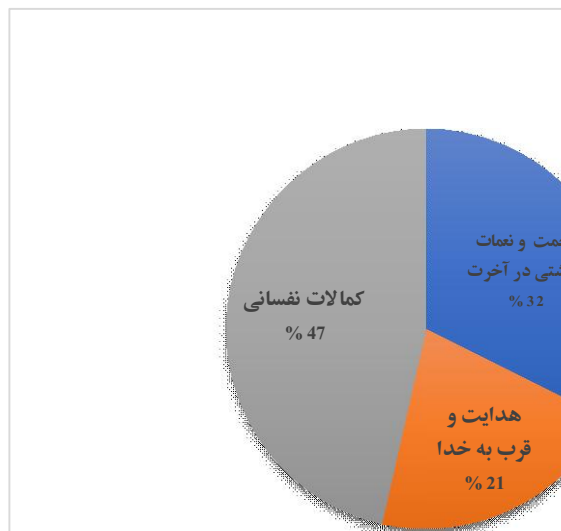
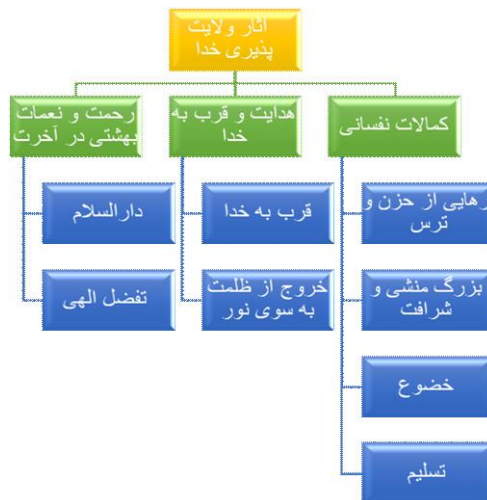
از آثار مهم خداولایی هدایت اوست که شامل حال عبد می‌شود. قرب به حق غایت طی مسیر ولایت است که انسان سکون در جوار الهی را مشاهده می‌کند. «فَأَقْضِ لِي بِخَيْرِهَا عَاقِبَةً، وَ نَجِّنِي مِنْ مَصِلاتِ الْفِتَنِ» (دعای ۵۴، بند ۸) (فرجام آن نیکوتر بود و از فتنه‌ها گمراه کننده مرا رهایی ده) «الْقَرِيبُ إِلَيَّ مَنْ حَاوَلَ قُرْبَكَ» (هر کس به تو تقرب جویند، تو هم بدو نزدیک شوی) (دعای ۴۵، بند ۲۱. دعای ۴۷، بند ۱۰. دعای ۴۹، بند ۱۶. دعای ۴۴، بند ۱۱).

۳-۳. کمالات نفسانی

خداوند کمال و جمال مطلق و مظهر همه خوبی‌ها، عشق‌ها و صاحب تمام اسماء اعظم است. هدف انسان از پیمودن مسیر ولایت الهی قرب و پیوستن به این حقیقت است که شبیه شدن به او را در پی دارد. لذا، هرچه انسان در این مسیر پیش‌تر رود، بیشتر شبیه خدا می‌شود و اسما و کمالات او را جذب می‌کند. امام سجاد (ع) این کمالات را این‌چنین بیان می‌کند: «وَ حَلَّنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبَسَنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَطْمِ الْعَيْظِ، وَ إِطْفَاءِ النَّارِ، وَ صَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سِرِّ الْعَائِيَةِ، وَ لِينِ الْعَرَبِيَّةِ، وَ حَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السَّيْرِ، وَ سُكُونِ الرِّيحِ، وَ طِيبِ الْمُخَالَفَةِ، وَ السَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَ إِثَارِ التَّفَضُّلِ، وَ تَرْكِ التَّعْيِيرِ، وَ الْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ، وَ اسْتِفْلالِ الْخَيْرِ وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اسْتِكْتَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَ لُزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ.» (دعای ۲۰، بند ۱۰) (خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به زیور شایستگان بیارای و زینت پرهیزکاران را به من بپوشان که زیور و زینت شایستگان و پرهیزکاران در این امور است: گسترش عدالت، فروخوردن خشم، خاموش کردن آتش فتنه، جمع کردن پراکنده‌شدگان، اصلاح بین مردم، آشکار کردن کارهای خوب مردم، پوشاندن عیوب انسان‌ها، نرم‌خویی، فروتنی، خوش‌رفتاری، آرامش، وقار، خوش‌اخلاقی، پیشی گرفتن به سوی فضیلت، انتخاب نیکی و احسان، ترک سرزنش، خوبی کردن به غیرمستحق، حق‌گویی، گرچه سنگین باشد اندک شمردن گفتار و کردار خوبم، هر چند زیاد باشد؛ و زیاد شمردن گفتار و رفتار بدم، هر چند اندک باشد؛ و

همه این امور را به دوام اطاعت از حضرتت و همراهی با مسلمانان و دست برداشتن از اهل بدعت و آنان که رأی ساختگی در دین را به کار می‌گیرند، کامل کن).

شکل ۲-۳: درخت‌واره آثار خداولایی



نتیجه گیری و جمع بندی

با استفاده از شبکه مضامین خداولایی و داده‌های کمی حاصل از آن می‌توان چنین جمع بندی نمود که: در ساحت عوامل خداولایی، مضمون فراگیر معرفت و علم و دانش انسان بر عمل کرد او ترجیح دارد و در سایه معرفت، عمل صالح خالصانه انجام می‌شود؛ چرا که خلوص در عمل، وابسته به نیت و در نتیجه، معرفت شخص است. باور به مالک دانا، خالق و مدبری حکیم و رازقی عادل، ایمان را وارد قلب انسان می‌کند و خوف از وعید، او را از انجام عمل ناشایست باز می‌دارد. در گام بعد، انسان به مظاهر عمل‌گرایی خالصانه مزین شده، عبادت، دعا، حمد، استعاذه و تقوا را در رفتار خویش متجلی می‌سازد. سومین مضمون فراگیر در عوامل خداولایی درخواستی است که روح تمام ادعیه صحیفه سجادیه را در بر گرفته است؛ یعنی، فضل و توفیق ولی حقیقی. لذا، این مضمون اهمیت فوق‌العاده‌ای در هدایت معرفتی و عملی عبد دارد.

در ساحت مصادیق و نشانه‌های خداولایی، سه مضمون فراگیر ترجیح ولی، اطاعت از ولی و منش بندگی استخراج شد. روح و بطن ولایت‌پذیری خدا سرشار از اولویت و ترجیح ولی است؛ تا جایی که امام سجاد (ع) با اراده حق تعالی اراده و اختیار و هیچ‌گونه آزادی‌ای برای خویش قائل نمی‌شود. چرا که وابسته و مظهر و فقیر محض در برابر غنی قائم قیوم فاقد هرگونه اعتبار است و تنها به جهت پیوستگی به ولی است که موجود شده است. بنابراین با درک این عجز و فقر همواره اطاعت مولی می‌کند و از هیچ رنج و سختی در این امر هراسی ندارد. از این رو، از سایر موجودات وابسته به الله منقطع است و تنها به ولی حقیقی اکتفا می‌کند و عشق و محبت را لایق مبدأ حقیقی می‌داند.

در ساحت آثار خداولایی، بهره‌مندی از رحمت و نعمات خداوند متعال که شامل نعمت‌های دنیوی و اخروی است، نخستین مضمون به دست آمده است. دیگر رهاورد مهم خداولایی این است که هدایت الهی شامل حال او می‌شود و با تفضل الهی به قرب حق نائل می‌شود. چنین شخصی بزرگ‌منش و دارای خضوع دائمی و همواره تسلیم مولا است

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- صحیفه سجاده، ترجمه حسین انصاریان
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۸ق). معانی الاخبار للشیخ الصدوق. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۲۰۰۱م). المحکم والمحیط الاعظم. لندن: کتابخانه بریتانیا.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۰۴ق). لسان العرب. محقق/مصحح: میردامادی، جمال الدین. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع-دار صادر.
- ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.
- ابویعلی، احمد بن علی بن المثنی الموصلی. (۱۴۱۸ق). مسند ابی یعلی الموصلی. دراسة و تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- انصاریان. (۱۳۹۱). دیار عاشقان.
- جعفر بن محمد (ع). (۱۳۵۳ق). مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة. اواخر قرن ۱۳ محمد جعفر بن حسین موسوی خراسانی قائمی، مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد.
- جوادی آملی. (۱۳۸۸ش). شمیم ولایت. چاپ چهارم. مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۲۷۰ق). صحاح اللغة. مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد.
- حسینی دولت‌آباد، تقی‌زاده، «مدل قرآنی تحول نگرش یا تصحیح معیار ارزش‌گذاری انسان»، شماره ۲۷.
- حلوانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۰). نزهة الناظر وتنبیه الخواطر. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر،.
- خوانساری، جمال الدین محمد. (۱۳۶۶). شرح غررالحکم. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ قرآن. ج اول. بیروت: دارالقلم.
- سلمی. (۷۴ق). مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی. بخش‌هایی از حقائق التفسیر و رسائل دیگر.
- شاه‌عبد العظیمی، حسین (۱۳۶۳ش). تفسیر اثنی عشری. ج اول. تهران: میقات.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴ش). تفسیر المیزان. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۰۳ق). مکارم الاخلاق و معالم الاعلاق الأخلاق. مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد، یادداشت باز تکثیر. مصر: سربی، مطبعة الخیریه. کربلا: مؤسسه الاعلمی.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۷۹ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طنطاوی، محمد سید. (۱۳۹۰ش). معجم اعراب الفاظ القرآن الکریم. پیرامید، وانک، ژکان.
- عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی، شیخ‌زاده، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). التفسیر (تفسیر العیاشی)، ۳۲۰ هـ. ق، رسولی. هاشم. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فیومی، احمد بن محمد مقری. (بی‌تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: منشورات دار الرضی.

- قرآنی، محسن. (۱۳۸۸ش). تفسیر نور. ج اول. تهران: مرکز فرهنگی، درس‌هایی از قرآن.
- قرشی بنانی، علی اکبر. (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹ش). اصول کافی. چاپ اول. تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. ج دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی. پایگاه اطلاع‌رسانی آثار.
- هلالی، سلیم بن قیس. (۱۴۰۵ق). اسرار آل محمد علیهم السلام. تاریخ سیاسی صدر اسلام، مترجم اسماعیل انصاری زنجانی، محمودرضا افتخارزاده، هادی. قم.
- King & Horrocks. (2010), Interviews in qualitative research, London: Sage.
- Boyatzis, R. E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage 4.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. ۳, No. ۲, Pp. 101- 77.